

## تحلیل حقوقی جرم سوءاستفاده از سفید مهر یا سفید امضاء در نظام حقوقی ایران

فرزانه رضایی<sup>۱</sup>، محسن غضنفری<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم‌آباد

<sup>۲</sup> لیسانس حقوق، دانشگاه پیام نور

### چکیده

در حقوق ایران، جرم سوءاستفاده از سفید مهر یا سفید امضاء، موضوع ماده ۶۷۳ قانون مجازات اسلامی است که تحت عنوان "فصل بیست و چهارم، خیانت در امانت" است و می‌گوید: "هر کس از سفید مهر یا سفید امضایی که به او سپرده شده است یا به هر طریق بدست آورده سوءاستفاده نماید به یک تا سه سال حبس محکوم خواهد شد سفید امضاء ورقه ایست که به صورت ناقص تنظیم، و دارای امضاء و یا مهر امضاء است و به شخص سپرده یا شخص به هر طریقی آن را بدست آورده، و قسمت‌های خالی را تکمیل و آن را بر ضرر مالک یا متصرف آن بکار می‌برد. مثلاً (الف) چکی را که صرفاً امضاء در ذیل آن وجود دارد به (ب) می‌سپارد و به او دستور می‌دهد که آن قسمت‌های ناقص را تکمیل و طبق آن قرارداد، به (ج) تحویل دهد ولی (ب) از این وضعیت سوءاستفاده می‌نماید خواه مرتکب، مبلغ را خواهد بر اراده صاحب سند در چک قید نماید و خواه به هر طریق دیگری در آن دخل و تصرف نماید، با تجمع ارکان متشکله جرم سوءاستفاده، این جرم محقق خواهد شد. در این جرم لازم نیست که حتماً بین سپارنده سفید امضاء و شخص مرتکب، تسلیم شیء به صورت مادی شرط باشد. بلکه اگر مرتکب آن را به هر طریقی بدست آورد هم ممکن است با تحقق سایر شرایط، جرم مذکور تحقق پیدا نماید. جرم سوءاستفاده از سفید امضاء یا مهر در ماده ۶۷۳ ق.م.ا (۱۳۷۵) توسط مقنن جرم انگاری گردیده ماده مذکور مقرر می‌دارد: ((هرکس از سفید مهر یا امضایی که به او سپرده شده است یا به هر طریقی بدست آورد سوءاستفاده نماید، به یک تا سه سال حبس محکوم خواهد شد)). لازم به ذکر است اولین بار در سال ۱۳۰۴ در قانون مجازات عمومی جرم انگاری شده است. لذا این جرم اکنون قدمتی

هشتاد و هشت ساله دارد. شرایط مقدم و لازم برای تحقق رکن مادی این جرم عبارتند از: وجود ورقه واجد امضاء کامل نبودن متن سند، عدم ضرورت سپردن، فقدان اهمیت مطالب مندرجه، فقدان خصوصیت خاص در مرتکب جرم و قربانی جرم و... علاوه بر موارد مارالذکر، مرتکب باید دارای سوء نیت بوده والا بدلیل فقدان رکن روانی جرم مذکور واقع نخواهد شد. همچنین، جرمی با ماهیت بازدارنده بوده، لذا مشمول مرور زمان می شود. اگرچه، جرمی غیرقابل گذشت است، اما قاضی می تواند در صورت شرایط لازم، مجازات مرتکب را تخفیف دهد. مسائل راجع به تعدد و آزادی مشروط و همچنین معاونت در جرم و تعلیق مجازات، وفق مقررات جاریه در این جرم قابل اعمال خواهد بود. نکته ای که در اینجا لازم است عنوان شود این که، صدر ماده مذکور با ذیل آن، در تعارض اساسی می باشد.

**واژه‌های کلیدی:** سوءاستفاده، صور خاص خیانت در امانت، جعل، سفید امضاء

---

## مقدمه

در حقوق ایران، جرم سوءاستفاده از سفید مهر یا سفید امضاء، موضوع ماده ۶۷۳ قانون مجازات اسلامی است که تحت عنوان "فصل بیست و چهارم، خیانت در امانت" است و می‌گوید: "هر کس از سفید مهر یا سفید امضایی که به او سپرده شده است یا به هر طریق بدست آورده سوءاستفاده نماید به یک تا سه سال حبس محکوم خواهد شد. شرط تحقق جرم سوءاستفاده از سفید امضاء یا سفید مهر نیز، وجود رابطه امانت قراردادی یا امانت قانونی بین مودع و مستودع یا متصرف قانونی مال است.

فعل بر سفید امضاء یا سفید مهر عبارت است از امضاء نمودن ورقه‌ای از قبل، بمنظور تأیید نوشته‌ای که باید متعاقباً در بالای آن درج شود.

بنابراین، چنانچه سارق، جاعل و اخذ کننده‌ی سند (سفید مهر یا سفید امضاء) به عنف و تهدید واکراه مبادرت به تحصیل سفید امضاء یا سفید مهر کرده باشند و از آن سوءاستفاده کنند، مرتکب جرایم سرقت، جعل و اخذ سند به عنف و تهدید و اکراه شده‌اند که موضوع جرایم خاص هستند و با منتفی بودن امانت قانونی یا قراردادی، موضوع از شمول جرایم تحت عنوان خیانت در امانت‌های ذیل عنوان فصل بیست و چهارم قانون مجازات اسلامی خارج است.

سوءاستفاده از سفید امضاء عبارت است از نوشتن مطالبی در بالای امضاء، به نحوی که با آنچه طرفین توافق داشته‌اند هماهنگی نداشته و مشتمل بر تعهد یا ایفای تعهد یا هر رفتاری دیگری باشد که بتواند شخص یا دارایی امضاء کننده را به خطر اندازد.

سوءاستفاده از سفید امضاء در واقع دارای دو جزء متفاوت است، ممکن است کسی به درخواست دیگری بالای امضاء، مطالبی به زیان صاحب امضاء بنویسد و شخص دیگری آن سفید امضاء را عالملاً، عامداً مورد بهره‌برداری قرار دهد، در این صورت هر دو نفر مشمول جرم سوءاستفاده از سفید امضاء هستند؛ اولی بخاطر نوشتن متقلبانه مطالبی زیان آور در بالای امضاء و دیگری، با بکاربردن آن ورقه سفید امضاء به زیان دیگری مشمول جرم مزبور می‌شود.

حال، اگر چنین اقداماتی توسط یک نفر انجام بگیرد، می‌توان استدلال کرد که همانند سرقت که ربودن و نگهداری مال مسرووق توسط سارق یک جرم تلقی می‌شود، نویسنده مطالب بالای امضاء و سوءاستفاده کننده از آن نیز مرتکب یک جرم شده است، به طوری که عملیات مقدماتی، لازمه تحقق جرم سوءاستفاده از سفید امضاء یا سفید مهر تلقی می‌شود.

وجود قصد مجرمانه، برای تحقق جرم مزبور از ضروریات است: عنصر معنوی جرم، مبتنی بر آگاهی مرتکب جرم بر این امر است که مفاد مطالبی که بر روی سفید امضاء نوشته شده، غیر از موارد توافق شده قبلی بوده باشد، به نحوی که شخص یا دارایی امضاء کننده را در معرض خطر قرار دهد

جرم سوءاستفاده از سفید مهر و سفید امضاء، از جمله جرایمی است که مجازات آن قابل تعلیق و تخفیف از سوی قاضی بوده و آزادی مشروط هم شامل آن می‌شود. این در حالی است که مرتکب این جرم نمی‌تواند از مجازات جایگزین حبس استفاده کند چراکه با توجه به ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی این جرم درجه ۵ می‌باشد.

در قبال موضوع ابهاماتی وجود دارد مانند اینکه :

اغلب سوء، استفاده از سفید امضاء به وسیله شخصی ارتکاب می‌شود که سفید امضاء به او سپرده شده باشد. ولی گاهی ممکن است جرم دیگری، توسط شخص ثالث هم ارتکاب شود. چنانچه شخص ثالث بدون علم و آگاهی کسی که سفید امضاء به

او سپرده شده است، از سفید امضاء سوءاستفاده نموده باشد، عنوان رفتار مجرمانه وی مشخص نیست که جعل است و یا سوءاستفاده از سفید امضاء که در این زمینه نظریات مختلف حقوقی وجود دارد. همچنین در قسمت اول این ماده آمده است «هر کس از سفیدمهر یا سفیدامضایی که به او سپرده شده است، سوءاستفاده کند» و در قسمت دوم آن آمده که «هر کس از سفیدمهر یا سفیدامضایی که به هر طریق به دست آورده است، سوءاستفاده کند» به مجازات مقرر محکوم می‌شود. اشکالی که در نگارش این ماده وجود دارد، این است که قسمت اول، خاص و قسمت دوم آن عام است و زمانی که ابتدا خاص بیان می‌شود، گفتن عام ضرورتی ندارد. با توجه به اهمیت موضوع و خلاءهای بیان شده لازم است در تحقیقی مستقل و جامع ابعاد حقوقی ماده ۶۷۳ قانون مجازات اسلامی مورد واکاوی و تحلیل قرار گیرد.

### مبحث اول: تعاریف و مفاهیم

#### گفتار اول: تعریف سوءاستفاده

##### بند اول: در لغت

هر تحقیقی لازمه اش این است، که یک تعریف جامعی از آن ارائه گردد، تا راحت تر بتوان آن موضوع را فهم نمود. حال اصطلاح سوءاستفاده به چه معناست. سوءاستفاده، اصطلاحی مرکب از دو واژه، سوء و استفاده می‌باشد. سوء جمع اسواء در لغت به معنای، بدی و شرّ و استفاده در لغت، به معنی نادیده گرفتن، بهره جویی کردن می‌باشد. بنابراین سوءاستفاده به معنای استفاده نامشروع کردن یا بهره برداری بد و نابجا را می‌گویند.<sup>۱</sup>

##### بند دوم: در قانون

قانون مجازات، با جان، مال، آبرو و ناموس افراد ارتباط دارد. پس قانون و اصطلاحاتش باید شفاف و بدون ابهام باشد تا از تفسیر قوانین جزائی که باب سلايق را باز می‌کند، خودداری شود. قضاات نباید اختیار تفسیر قوانین را داشته باشند، به این دلیل آشکار که آنها قانونگذار نیستند.<sup>۲</sup> در قانون مجازات اسلامی، اصطلاح سوءاستفاده تعریف نشده و مشخص نیست که نیت واقعی مقنن از آن اصطلاح چه بوده است. آیا مراد از سوءاستفاده، تحصیل مال بوده و یا اقدام به تحصیل مال و یا هتک حیثیت هم می‌تواند در این دایره شمول قرار گیرد. قانونگذار در حوزه حقوق کیفری، ولو آن که اصطلاحات یا عبارات صریح و روشن باشد، از تکلیف مقنن در جهت تعریف آنها، نمی‌کاهد. و مکلف است آن اصطلاحات را تعریف نماید.

با این حال در قانون مجازات اسلامی، مقنن از اصطلاح سوءاستفاده تعریفی ارائه ننموده، لذا تعریف این اصطلاح و دایره شمولش، از منظر قانونی مشخص نیست. شاید گفته شود که عدم تعریف اصطلاحات از سوی مقنن، واگذاری تعریف به عرف است. چرا که عرف در حقوق کیفری، جنبه، مفسر اراده قانونگذار است. در حالی که در حقوق مدنی، عرف جنبه موجد و ایجاد کننده را دارد. ضمن این که از نظر حقوقی، فقدان تعریف قانونی، الفاظ، حسب ماده ۲۲۴ ق.م. سبب ارجاع موضوع به عرف می‌شود. الفاظ عقود محمول است بر معانی عرفیه. لذا عرف باید مفسر اراده مقنن باشد. سوالی که در اینجاست این که، آیا فقدان تعریف قانونی دارای مزیت می‌باشد؟ مثلاً بهتر می‌تواند با تحولات اجتماعی منطبق شود. مطمئناً فقدان تعریف قانونی چنین مزیتی را دارد. به عبارت دیگر، اصولاً در حوزه قانونگذاری کیفری دو رویکرد است. رویکرد اول، تعریف جرم یعنی بیان ارکان آن.

<sup>۱</sup> معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، (نشر اشجع، چاپ دهم، سال ۱۳۸۳)، ص ۶۹۷.

<sup>۲</sup> - بکاریا، سزار، جرایم و مجازات ها، ترجمه محمد، اردبیلی، (نشر میزان، چاپ پنجم، سال ۱۳۸۵) ص ۳۵.

این رویکرد، حقوق فردی را بیش تر تضمین می کند، ولی توان انطباق با تحولات اجتماعی را از دست می دهد اما در رویکرد دوم، رویکرد عدم تعریف جرم است.

این رویکرد با نظم عمومی بیشتر منطبق است چون می توان مصادیق جدید را نیز داخل در عنوان نمود. علیهذا مقنن دانسته یا ندانسته از مزایای عدم تعریف جرم (رویکر دوم)، این اصطلاح را تعریف ننموده است. لذا برای تعریف آن، باید به عرف رجوع کرد.

### بند سوم: از منظر حقوقدانان

اگرچه در قانون تعریفی از اصطلاح سوءاستفاده نشده، اما دکترین حقوق جزا بار عدم مسئولیت پذیری مقنن را بر دوش کشیده و این اصطلاح را تعریف نموده اند. گروهی از حقوقدانان بیان می کنند، که سوءاستفاده از سفیدامضاء، عملی است که از ناحیه شخصی که به او اعتماد شده و سفید امضایی در اختیار اوست سر می زند، با این شرح که مجرم بالای سفیدامضاء می نویسد، بطوری که در نتیجه عمل او، تعهدی به مقتضای نوشته مزبور متوجه صاحب امضاء گردد، یا خود مجرم از تعهدی که قبلاً به نفع صاحب امضاء داشته برمی گردد.<sup>۱</sup>

عده ای دیگر از حقوقدانان در تعریف از سوءاستفاده بیان می کنند که، سوءاستفاده از سفیدامضاء به این معناست، که دارنده سفید امضاء، چیزی را بنویسد که مورد توافق آنها نبوده است. مثلاً آقای ((الف)) به آقای ((ب)) کاغذی سفید و با امضاء می دهد تا برای کار خاصی وکالت در امور لازمه را بنویسد، اما آقای ((ب)) روی کاغذ می نویسد که ((الف)) ده میلیون ریال به وی بدهکار است.<sup>۱</sup>

گروهی دیگر از حقوقدانان تعریفی که از سوءاستفاده بیان می کنند این است که، سوءاستفاده یعنی اینکه روی ورقه ای که دارای امضاء تأیید می باشد، ولی سایر قسمت های آن خالی یا سفید است، انتقال ذمه چیزی بنویسد که موجب خسارت برای صاحب امضاء شود.<sup>۲</sup>

عده ای دیگر بیان می کنند، که سوءاستفاده یعنی، شخصی کاغذ سفیدی را امضاء کرده و آن را به دیگری می داد و از وی می خواست که متن مشخصی را بر روی آن بنویسد، ولی گیرنده سفید امضاء بر خلاف دستور صاحب امضاء ورقه مذکور متنی دال بر مدیون بودن صاحب امضاء بر روی آن نوشته، بدین ترتیب موجب ورود خسارت به صاحب امضاء می گردید.<sup>۳</sup>

تمام دیدگاه هایی که بیان گردیده، اگرچه از لحاظ واژگان با هم متفاوت هستند، اما دارای مفهوم واحدی هستند. از تجمیع دیدگاه های دکترین که ارائه گردید، این تعریف را می توان از اصطلاح سوءاستفاده ارائه نمود که، سوءاستفاده عبارت است، از نوشتن عبارات خلاف واقع بر روی سفید امضاء به قصد اضرار بر صاحب آن اعم از آن که سپردن حقیقی باشد یا حکمی.

علیهذا، در این تعریف ارکان سوءاستفاده به نحو ذیل است: ۱- نوشتن عبارات بر روی شیء، ۲- ناقص التّنظیم بودن شیء، ۳- قصد اضرار. ۴- بدست آوردن آن.

<sup>۱</sup> - جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی، (کتابخانه گنج دانش، چاپ پانزدهم، سال ۱۳۸۴)، ص ۳۶۸.

<sup>۲</sup> زراعت، عباس، شرح قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات، ج ۲، (نشر فیض، چاپ چهارم، سال ۱۳۷۸)، ص ۳۲۵.

<sup>۳</sup> گلدوزیان، ایرج، حقوق جزای اختصاصی، (انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوازدهم، سال ۱۳۸۵)، ص ۴۰۹.

<sup>۴</sup> میر محمد صادقی، حسین، حقوق جزای اختصاصی ۲، ج دوم، (نشر میزان، چاپ یازدهم، سال ۱۳۸۳)، ص ۱۸۱.

لازم به ذکر است که جزء اول از تعریف سوءاستفاده، که نوشتن عبارات بر روی سفید امضاء است، نباید مبین این دیدگاه شود، که برای تحقق این جرم، تعدد عبارت بر روی ورقه مذکور شرط است. بلکه باید گفت، که در امور جزائی صیغه جمع افاده به نوع می‌کند. به عنوان مثال در ماده ۶۹۸ ق.م.ا قانون گذار از واژه نشر اکاذیب نام برده، که در بادی امر به نظر می‌رسد برای تحقق آن جرم، باید چند خبر کذب عنوان شود. اما رویه دادگاه‌ها و همچنین رای وحدت رویه شماره ۲۶۲۲ مورخ ۱۳۱۸/۱۰/۱۰ خلاف ادعای مزبور را ثابت نموده و قایل به این اصل، که در جزائیات صیغه افاده به نوع می‌کند، نشر یک خبر کذب را در صورت دارا بودن شرایط لازم برای تحقق آن جرم (ارکان متشکله جرم نشر اکاذیب) کافی برای تحقق آن می‌داند. لذا نوشتن یک عبارت مثلاً تاریخ و یا مبلغ در صورت تحقق شرایط دیگر، سبب تحقق جرم سوءاستفاده خواهد شد.

### گفتار دوم: تعریف سفید امضاء

سفید امضاء ورقه ایست که، به صورت ناقص تنظیم گردیده و به شخص سپرده، و یا آنکه شخص به هر طریقی آن را بدست آورده و اقدام به تکمیل قسمت‌های ناقص نموده، و از آن وضعیت سوءاستفاده می‌نماید. بنابراین با این تعریفی که ارائه گردید، در سفید امضاء صرفاً امضاء و یا مهر امضاء در ذیل آن ورقه وجود داشته، و مرتکب پس از تکمیل مندرجات آن، اقدام به سوءاستفاده از آن می‌نماید.

### بند اول: تعریف امضاء

در ماده ۶۷۳ ق.م.ا، از سفید امضاء نام برده شده، و برای تحقق جرم، آن ورقه باید امضاء... داشته باشد. اما قانونگذار امضاء را تعریف ننموده و شاید تصور او آن بوده که در قوانین دیگر از آن تعریف شده است. اما باید گفت که از امضاء در هیچ قانونی تعریفی صورت نگرفته است اما حقوقدانان این واژه را تعریف نموده‌اند.

امضاء نوشتن اسم یا اسم خانوادگی (یا هر دو) یا رسم، علامت خاص که نشانه هویت صاحب علامت است، در ذیل اوراق و اسناد (عادی یا رسمی) که متضمن وقوع معامله یا تعهد یا اقرار یا شهادت و مانند آنها است، یا بعداً باید روی آن اوراق تعهد یا معامله‌ای ثبت شود.<sup>۱</sup>

یا به عبارتی دیگر، امضاء آن خط، شکل، حرف و عبارتی است که توسط شخصی، مستقیماً و بدون واسطه، با دست بر روی سطح منعکس می‌شود.<sup>۲</sup>

### بند دوم: مهر امضاء

علاوه بر امضاء که می‌تواند، مبین اراده شخص، و اعلام رضایت وی تلقی گردد، مهر امضاء هم می‌تواند دارای چنین اوصافی باشد. ابهامی که در خصوص مهر امضاء وجود دارد این است، که آن را، امضاء تلقی نمایم یا مهر. اگرچه از لحاظ اثر حقوقی با هم تفاوتی ندارند و هر دو مبین اراده شخص می‌باشد، اما از لحاظ تعریف، با هم تفاوت دارند که در بندهای قبلی توضیحات لازم ارائه گردید.

<sup>۱</sup> - جعفری لنگرودی، محمد جعفر، منبع پیشین، ص ۸۱.

<sup>۲</sup> - صداقت، محمدحسین، جزوه حقوق تجارت ۳، (پلی کیبی دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس، ۱۳۸۵)، ص ۳۱.

مهر امضاء، با تعریف مهر بیشتر مطابقت دارد تا امضاء. باید خاطر نشان نمود، که اگرچه مهر و امضاء هر دو برای منتسب کردن سند به شخص خاصی مورد استفاده قرار می‌گیرند، ولی مهر سابقه‌ای قدیمی‌تر از امضاء دارد و از قدیم الایام مرسوم بوده است. در اسلام از قرن ششم هجری که پیامبر (ص) تصمیم بدعوت سران کشورهای مثل ایران، روم، حبشه به اسلام گرفتند بنا به توصیه برخی از اصحاب، مه‌ری مزین به ((الله - محمد رسول الله)) ساخته و آن را در ذیل دعوت نامه های خود بکار بردند. در اروپا امضاء از قرن شانزدهم میلادی مرسوم و تقریباً به طلوع مشروعیت وارد ایران شد.<sup>۱</sup>

### بند سوم: اثر انگشت

علاوه بر امضاء و مهر امضاء، حالت دیگری که مبین اعلام اراده و رضایت افراد می باشد اثر انگشت است. اگرچه مشخص نیست، که بشر از چه زمانی متوجه راز خلقت از لحاظ نقوش کف و انگشتان دست و پای خود شده، ولی این مسلم است، که از زمان های دور به این امر عنایت داشته، کما اینکه در اغلب آثار قدیمی ملاحظه می شود، آثار برجسته کف و انگشتان افراد به منظور ثبت هویت آنان بر روی ظروف سفالی و دیواره ها و بناهای تاریخی حک شده، فی الجمله بر الواح گلی که از تمدن آشور و بابل به جای مانده، چنین آثاری موجود است. اولین بار ویلیام هر شل انگلیسی مأمور به خدمت در کمپانی هند شرقی در بنگال هندوستان و به تقلید از بازرگانان چینی و هندی از سال ۱۸۵۸ در قبال پرداخت حقوق و دستمزد به کارگران، از آنان می خواست که جلوی اسم خود را در لیست مربوطه انگشت بزنند. نامبرده پس از مدتی استفاده از این شیوه، متوجه گردید، که خطوط و نقوش سرانگشتان افراد، علیرغم گذشت چند سال تغییر نمی کند. لذا آزمایشات و تحقیقاتی صورت گرفته که درستی نظرش را ثابت نموده، علاوه بر آن، حاکی از این نکته بود، که نقوش و خطوط انگشتان هیچ فردی مثلنقوش سرانگشتان فرد دیگری نیست... در سال ۱۸۷۷ دکتر هانری مولدز انگلیسی در ژاپن شیوه‌ای در انگشت نگاری ابداع کرد. و امروز با توجه به پیشرفت علوم، علم جدیدی در عرصه کشف جرم و جنایت، بنام علم انگشت نگاری بوجود آمد، که نوید بخش این مطلب است، که هیچ مجرمی پس از ارتکاب جرم از چنگال عدالت فرار نخواهد کرد. در انگشت نگاری دو اصل بسیار مهم وجود دارد اولین اصل این که، هیچ دو اثر انگشتی در جهان شبیه هم نیستند حتی در خصوص دوقلو های همسان و حتی سرانگشتان خود فرد. ثانیاً اثر انگشت افراد هیچ وقت از بین نمی رود.

### مبحث دوم: ارکان وقوع جرم با امضاء، یا مهر امضاء

با توجه به مطالبی که، ارائه گردید، ماده ۶۷۳ ق.م.ا کدامیک از حالت های مطروحه در بندهای فوقالذکر یعنی امضاء، مهر امضاء و اثر انگشت را شامل می گردد. ماده ۶۷۳ ق.م.ا مقرر می دارد.

«هرکس از سفید امضاء یا مه‌ری که به او سپرده شده یا به هر طریقی بدست آورده، سوءاستفاده نماید، به یک تا سه سال حبس محکوم می شود.» پرواضح است که برای تحقق جرم موضوع ماده ۶۷۳ ق.م.ا. سوءاستفاده باید نسبت به سفید «امضاء» یا «سفید مهر» صورت بگیرد. پس در خصوص این که جرم موضوع ماده مذکور، با مهر یا امضاء صورت می گیرد، تردیدی نیست. اما ابهامی که وجود دارد در خصوص مهرامضاء و اثر انگشت است. در خصوص مهر امضاء، با توجه به آنکه در نهایت مهر قلمداد شد، پس جای درنگ نخواهد بود که با مهر امضاء هم جرم مذکور تحقق می یابد. اما در خصوص اثر انگشت این ابهام وجود دارد که اگر بجای امضاء و یا... در ذیل یک نوشته یا سندی اثر انگشتی زده شود و مرتکب اقدام به تکمیل و در نهایت از آن

<sup>۱</sup> - سلیمان پور، محمد، جعل اسناد در حقوق ایران و از نظر تطبیقی، (نشر کتابخانه گنج دانش، سال ۱۳۵۷)، صص ۵۷-۵۴.

سوءاستفاده نماید، سبب تحقق جرم موضوع ماده ۶۷۳ ق.م.ا خواهد شد. در اینجا اختلاف نظر وجود دارد، گروهی از حقوقدانان اعتقاد دارند، که اگرچه در ماده ۶۷۳ ق.م.ا اشاره ای به اثرانگشت نشده، اما چون اثرانگشت همانند امضاء بوده، بنابراین باید آن را مشمول دانست.<sup>۱</sup>

گروهی دیگر از حقوقدانان اعتقاد دارند، که در قسمت اخیر ماده ۱۱۸ ق.ت (سابقاً رکن قانونی جرم سوءاستفاده بوده و به موجب قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ منسوخ شد) آمده است «... یا چیز دیگری که موجب خسارت صاحب امضاء یا مهر شود...» تحقق جرم موضوع ماده مذکور را باید، شامل سفیدمهر و سفیدامضاء دانست. ولی، تسری آن نسبت به سوءاستفاده از اثرانگشت، محل تردید است. و باید به نفع متهم از تفسیر موسع آن خودداری کرد.<sup>۲</sup> گروهی دیگر از حقوقدانان نظری مخالف با نظر قبلی و همسو با دیدگاه اولی دارند و معتقدند، که منظور از مهر اعم است از، خود مهر یا امضاء و یا ترکیب آنها (مهر امضاء) یا اثر انگشت، و هر علامتی که نشان دهنده تأیید متن سند بوسیله سپارنده است.<sup>۳</sup>

دکتر گلدوزیان اعتقاد دارند که، مصادیق مذکور در ماده ۶۷۳ ق.م.ا حصری نبوده و شامل اثر انگشت هم می شود.<sup>۴</sup> حال از میان دیدگاه هایی که عنوان گردیده، کدام دیدگاه منطقی تر جلوه می نماید. در مواردی که مقنن با اجمال یا تناقض گویی در متون قانونی دکترین را به تفکر وامی دارد، دکترین باید از آن مواد قانونی تفسیری را که کاشف از نیت واقعی مقنن است را ارائه دهند. (تفسیر منطقی یا توصیفی). اگرچه مواردی که عنوان شد از جمله مواردی هستند که مبین اراده اشخاص است و اثرانگشت هم دارای این وصف است و حتی از حیث اثبات محکم تر از امضاء است اما به نظر می رسد آن دیدگاهی منطقی تر و با اصول حقوق کیفری و قاعده تفسیر جزایی به نفع متهم و منع تفسیر موسع در حقوق جزای ماهوی منطبق تر است، که اثرانگشت را از شمول ماده ۶۷۳ ق.م.ا خارج و اعتقاد راسخ دارد، که جرم سوءاستفاده موضوع ماده ۶۷۳ ق.م.ا فقط با مهر یا امضاء و یا مهرامضاء قابل تحقق می باشد.

و مصادیق مذکور در ماده فوق الاشعار حصری می باشد نه تمثیلی. دلیل دیگری که تقویت کننده این استدلال است. اینکه، در زمان تدوین قانون مجازات اسلامی و حتی قبل از آن (قانون تعزیرات ۱۳۶۲ و قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴) فقط از مهر و امضاء استعمال شده و نمی توان ادعا نمود که، در زمان تصویب مواد یاد شده، اثرانگشت اثر خارجی نداشته است. بلکه اثرانگشت قدمتی حدوداً ۱۶۰ ساله دارد. (از سال ۱۸۵۸ میلادی اثر انگشت کشف گردیده) یعنی ۸۰ سال قبل از آن که، قانون مجازات عمومی (۱۳۰۴) که اولین قانون مجازات در تاریخ ایران است، تصویب شود تا بخواهد سوءاستفاده از سفیدامضاء را در نظام کیفری ایران مجرمانه تلقی نماید، اثرانگشت، فواید و انواع آن کشف شده بود. و اگر قانونگذار می خواست سوءاستفاده از سفید انگشت را به مانند سفیدامضاء مجرمانه تلقی بکند با ابهامی مواجه نبود. چرا که در آن زمان اثرانگشت، کشف گردیده بود و عدم ذکر آن در قانون سابق و فعلی حکایت از رد ادعای کسانی دارد که اعتقاد دارند که جرم موضوع ماده ۶۷۳ ق.م.ا شامل اثرانگشت خواهد بود.

در این فصل در خصوص اهمیت رکن قانونی از لحاظ فقهی و قانونی مطالبی عنوان می شود.

<sup>۱</sup> - زراعت، عباس، منبع پیشین، ص ۳۲۵.

<sup>۲</sup> - ولیدی، محمد صالح، حقوق جزای اختصاصی، جرایم علیه اموال و مالکیت، ج دوم، (نشر امیرکبیر، سال ۱۳۶۹)، ص ۱۳۳.

<sup>۳</sup> - حبیب زاده، محمدجعفر، حقوق جزای اختصاصی، جرایم علیه اموال، (انتشارات سمت، چاپ اول، سال ۱۳۷۳)، ص ۱۹۴.

<sup>۴</sup> - گلدوزیان، ایرج، منبع پیشین، ص ۴۰۸.



### گفتار اول: اهمیت رکن قانونی

در این گفتار، در خصوص اهمیت رکن قانونی از منظر فقهی، مباحثی مطرح، و در صدد تشریح ابعاد فقهی آن هستیم. در این گفتار، در خصوص تمایزات و تشابهات قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۵)، با قوانین سابق (قانون مجازات عمومی و قانون تعزیرات) مطالبی ارائه خواهد شد. همانطوری که در گفتارهای قبل بیان گردید، برای اولین بار در قانون مجازات عمومی، سوءاستفاده از سفیدامضاء در قلمرو حقوق موضوعه ایران، جرم انگاری، و اکنون در کتاب پنجم از تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده از قانون مجازات اسلامی بر مجرمانه بودن رفتار مرتکبی که از سفید امضاء سوءاستفاده می‌نماید، مهر تأیید زده است. علیهذا برای بیان تشابهات و تمایزات آن قوانین با قانون فعلی، لازمه‌اش بیان مواد قانونی که، رکن قانونی جرم سوءاستفاده از سفیدامضاء را تشکیل می‌دهد، می‌باشد. لذا در ذیل، به ترتیب سال تصویب آن قوانین (یعنی ابتدا قانون مجازات عمومی، سپس قانون تعزیرات، و در نهایت قانون مجازات اسلامی) بیان خواهد شد.

ماده ۲۴۰ ق.م.ع مقرر می‌دارد: ((هرکس از سفید مهری که به او سپرده شده سوءاستفاده کرده، از روی تقلب انتقال یا برائت ذمه یا چیز دیگری که موجب خسارت صاحب امضاء یا مهر شود روی آن بنویسد، محکوم به حسب جنجه‌ای از یک تا سه سال خواهد شد، و ممکن است به تأدیه غرامت از پنجاه الی پانصد تومان نیز محکوم شود، و اگر سفیدمهر به او سپرده نشده خود او بدست آورده باشد در حکم جاعل و مجازات آن را خواهد داشت و ...)) ماده ۱۸ ق.ت اشعار می‌دارد: ((هرکسی از سفید مهری که به او سپرده شده سوءاستفاده کرده و از روی تقلب انتقال یا برائت ذمه یا چیز دیگری که موجب خسارت صاحب امضاء یا مهر شود روی آن بنویسد، محکوم به شلاق تا ۷۴ ضربه خواهد شد و اگر سفید مهر به او سپرده نشده و خود آن را بدست آورده باشد، در حکم جاعل بوده و مجازات آن را خواهد داشت.))

و در نهایت ماده ۶۷۳ ق.م.ا تصریح می‌دارد: ((هرکس از سفیدمهر یا سفیدامضاء که به او سپرده شده است یا به هر طریقی بدست آورده، سوءاستفاده نماید به یک تا سه سال حبس محکوم خواهد شد.)) با توجه به مطالب فوق، موضوع را در دو مبحث، که مبحث اول، به تشابهات قانون فعلی با قوانین سابق و مبحث دوم را به تمایزات آن‌ها اختصاص داده خواهد شد.

### گفتار دوم: رکن مادی

در این فصل، پیرامون رکن مادی سؤاستفاده و اهمیت موضوع مباحثی مطرح خواهد شد. برخلاف اخلاق که قواعد آن ناظر بر وجدان‌هاست، و هرگونه پندار زشت و ناپسند را محکوم می‌کند، حقوق جزا متضمن اصولی است که بر رفتار انسان‌ها و توأم با تضمین‌هایی که، حافظ جامعه بشری است. حقوق جزا پندار نکوهیده و قصد سوء را تا زمانی که مادئاً به منصف ظهور و بروز نرسد، به مجازات نمی‌رسد زیرا قصد سوء تا وقتی انسان برای واقعیت بخشیدن به آن جازم نیست، خطری برای نظم اجتماعی در بر ندارد جز در موارد استثنائی که مقنن در آن موارد قصد سوء را کافی برای تحقق جرم می‌داند. مانند ماده ۵۱۲ ق.م.ا که مقرر می‌دارد: ((هرکس مردم را به قصد بر هم زدن امنیت کشور به جنگ و کشتار با یکدیگر اغوا و تحریک کند، صرف نظر از اینکه موجب قتل و غارت بشود یا نشود، به یک تا سه سال حبس محکوم می‌شود.)) یعنی در پاره‌ای از موارد، قانونگذار قصد سوء را کافی برای تحقق جرم می‌داند و لازم نیست که الزاماً نظاهر خارجی اندیشه مجرمانه در عالم خارج، به صورت فیزیکی و مکانیکی صورت بگیرد. بنابراین شرط تحقق جرم آن است، که قصد سوء با ارتکاب عمل خاصی، دست کم به مرحله فعلیت برسد. فعل یا عمل خارجی که تجلی نیت مجرمانه و یا تقصیر جزایی است، رکن مادی

جرم را تشکیل می‌دهد.<sup>۱</sup> برای تحقق رکن مادی جرم سوءاستفاده، یکسری شرایط و مقدماتی باید وجود داشته باشد، در گفتارهای بعدی عنوان می‌گردد.

مجرم باید مبادرت به فعل یا ترک فعلی کند که ملموس، محسوس و عینی بوده و در قانون عنوان مجرمانه داشته باشد. به عبارت دیگر، کافی نیست که رفتار مجرمانه تنها توسط قانون نهی شود بلکه وجود یک تظاهر خارجی عملی ناشی از قصد مجرمانه یا خطای جزائی توسط فاعل که جرم بوسیله آن آشکار می‌شود، برای تحقق فعل مجرمانه و مجازات فعل مجرمانه و مجازات فاعل، شریک یا معاون لازم است.<sup>۲</sup>

رفتار انسان ممکن است به صورت‌های مختلف، متعلق حکم جزائی قرار گیرد. گاه قانونگذار مخاطبان خود را از فعل خاص منع می‌کند، در این صورت، ارتکاب این فعل تخطی از نواحی قانونگذار، و جرم تلقی می‌شود. گاهی مخاطبان قانونگذار به انجام دادن فعلی تکلیف شده اند این بار، ترک این فعل نقض اوامر قانونگذار و جرم محسوب و گاهی رفتار مرتکب به صورت فعل ناشی از ترک فعل و یا نگهداری و یا حالت، جلوه می‌نماید.<sup>۳</sup>

سؤال آن است که رفتار مرتکب در جرم سوءاستفاده به چه نحوی است، در پاسخ به این سؤال باید گفت که، رفتار مرتکب در این جرم به صورت فعل مثبت مادی می‌باشد. (ممکن است این شبه ایجاد شود که، مگر فعل مثبت غیر مادی هم وجود دارد، باید گفت که، قانونگذار در ماده ۳۲۵ ق.م.ا.مصادیقی را بیان نموده، که حکایت از فعل مثبت غیر مادی جلوه می‌کند، ماده مذکور اشعار می‌دارد: ((هرگاه کسی به روی شخصی سلاح بکشد یا سگی را به سوی او برانگیزد، یا هر کاری که موجب هراس او گردد انجام دهد، مانند فریاد کشیدن یا انفجار صوتی که باعث وحشت می‌شود و...)) مواردی مثل فریاد کشیدن از مصادیق فعل مثبت غیر مادی می‌باشد. علیهذا، سوءاستفاده به صورت نوشتن مطالب تعهدآور بر روی سفیدامضاء امکان پذیر است. به هرحسرت این نوشته باید ایجاد تعهد یا ترک تعهد برای صاحب امضاء نماید، اعم از این که نوشتن مطالب یا موضوع در حضور صاحب امضاء باشد یا در غیاب او و یا این که نوشته دست خط باشد یا ماشین شده..

کسی که مطالبی را برخلاف توافق قبلی در بالای امضاء ورقه ای، می‌نویسد مرتکب جرم سوءاستفاده از سفید امضاء می‌گردد بنابراین مصادیق رفتار مجرمانه مرتکب (سوءاستفاده کننده از سفید امضاء) بدین نحو خواهد بود:

اولین مصداق از رفتار مجرمانه: اقدامی مغایر با توافق یا پیش بینی قبلی است چنانچه احراز وجود یک دین، در ورقه سفیدامضاء به عمل آید در شرایطی که، ورقه مزبور به منظور دیگری تودیع شده باشد مثلاً ورقه سفید امضاء برای تنظیم متن وکالت نامه امضاء شده باشد ولی در بالای امضاء اقرار به دین صاحب امضاء نوشته شود، جرم سوءاستفاده از سفید امضاء واقع شده است.

دومین مصداق از رفتار مجرمانه: تغییر کمیت توافقات است. یعنی کم یا زیاد کردن موضوع توافقات است. تغییر مبلغ مورد توافق در سفیدامضاء یکی از مصادیق آن است. ممکن است متن سفیدامضاء هماهنگ با توافق قبلی نوشته شود، لکن مبلغ مذکور در سند متفاوت با مبلغ توافق شده قبلی درج شود به عنوان مثال خریداری که فاکتور کالا یا قولنامه‌ای را قبل از تکمیل

<sup>۱</sup> -اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، جلد ۱، (نشر میزان، چاپ هشتم، سال ۱۳۸۳)، ص ۲۰۸.

<sup>۲</sup> -نوربها، رضا، زمینه حقوقی جزای عمومی (کتابخانه گنج دانش، چاپ دهم، سال ۱۳۸۳)، ص ۱۸۲.

<sup>۳</sup> -اردبیلی، محمدعلی، منبع پیشین، ص ۲۰۹.

متن، امضاء و تحویل فروشنده داده، ولی فروشنده مبلغ را مغایر با آنچه که قبلاً توافق شده بنویسد باز هم در اینجا جرم واقع گردیده است.<sup>۱</sup>

سؤالی که در اینجا مطرح می شود این است که، اگر ((الف)) به درخواست((ب)) بالای امضاء مطالبی به زیان صاحب امضاء بنویسد و شخص ((ب)) آن سفید امضاء را عالمأ عامداً مورد بهره برداری قرار دهد در این صورت، آیا هردو را می توان به مجازات مذکور در ماده ۶۷۳ق.م.ا محکوم کرد یا خیر؟ در فرض مختلف بودن نویسنده مطالب و بکار برنده سفید امضاء، که در اینجا مطرح است، یک دیدگاه آن است که، هر دو نفر مشمول جرم سوءاستفاده خواهند بود زیرا اولی بخاطر نوشتن مطالب متقابله ای که برای صاحب امضاء زیان آور است و دومی بخاطر بکاربردن آن ورقه سفید امضاء به زیان دیگری مشمول حکم قانونی (ماده ۶۷۳ق.م.ا) خواهند بود. چرا که سوءاستفاده از سفید امضاء دارای دو جزء متفاوت است:

۱ - نوشتن مطالب روی سفید امضاء یا مهر. ۲- بکاربردن ورقه سفید امضاء یا مهر به ضرر صاحب آن. اگرچه حکم به محکومیت مرتکب اول که فقط عمل نوشتن را انجام داد غیر عادلانه تبلور می نماید، اما عبارت ((سوءاستفاده نماید)) در متن ماده این ادعا را که صرف نوشتن هم کافی برای تحقق جرم است را ثابت می نماید. با این شرط که کاتب، برای انجام این عمل سوء نیت داشته باشد. اما دیدگاه دوم که تا حدودی منطقی تر از دیدگاه اول و با تفسیر جزائی به نفع متهم سازگاری بیشتری دارد، صرف نوشتن مطالب تعهد آور روی سفید امضاء یا مهر را سبب تحقق جرم سوءاستفاده نمی داند و هرگاه همین مقدار عمل مورد تعقیب قرار بگیرد عمل ارتكابی جعل است.<sup>۲</sup> بنابراین در فرض مختلف بودن کاتب و بکاربرنده سفید امضاء یا مهر، کاتب مرتکب جعل و دومی به مجازات سوءاستفاده از سفید امضاء محکوم خواهد شد اما دیدگاه سوم عمل مرتکب اول را جعل و عمل مرتکب دوم را استفاده از سند مجعول می داند، چرا که مرتکب اول عمل نوشتن را انجام می دهد اما استفاده سویی از آن نمی کند. مگر آنکه از واژه سوءاستفاده تفسیر موسعی ارائه دهیم که، صرف نوشتن را در بر می گیرد، در آن صورت عمل مرتکب مشمول ماده ۶۷۳ ق.م.ا خواهد بود. اما باید گفت که، در امور کیفری اصل بر تفسیر مضیق بوده و تفسیر موسع زمانی خواهد بود که، به نفع متهم باشد.

و عمل مرتکب دوم، زمانی جرم سوءاستفاده است که، ورقه سفید امضاء ناقص التنظيمی را تکمیل و از آن سوءاستفاده نماید در حالی که مرتکب دوم ورقه پر شده ای را، بهره برداری می کند لذا عمل این شخص، سوءاستفاده به معنای جرم مذکور در ماده ۶۷۳ق.م.ا نیست و جرم سوءاستفاده از سند مجعول است. (نظر محقق). اما در فرض وحدت آن دو (یعنی کاتب و بکار برنده واحد باشند) باید گفت که اگر، چنین اقداماتی توسط یک نفر انجام بگیرد می توان استدلال کرد که همانند سرقت و مداخله در اموال مسروقه که اگر توسط سارق صورت بگیرد، یک جرم تلقی می شود در اینجا هم نویسنده مطالب و استفاده کننده از آن اگر واحد باشد، فقط جرم سوءاستفاده از سفید امضاء محقق شده است نه جرم دیگری.

سؤال دیگری که در اینجا می توان مطرح نمود آن است که، اگر سوءاستفاده توسط شخص ثالثی (غیر از کسی که سفید امضاء به او سپرده شده) صورت بگیرد و شخص ثالث مندرجات سفید امضاء را تکمیل و از آن بهره برداری نماید آیا مرتکب جرمی شده است، و در صورت وقوع جرم، مرتکب چه جرم یا جرایمی شده است؟ در قانون سابق برای تحقق جرم سفید امضاء لازم- اش، سپرده شدن سفید امضاء از سوی سپارنده به مرتکب بوده، به همین دلیل بخاطر وجود عنصر سپردن، جرم سوءاستفاده را، از صورخاص خیانت در امانت می دانستند و اگر به شخص سپرده نشده بود و شخص به هر طریقی بدست می آورد جاعل

<sup>۱</sup>- گلدوزیان، ایرج (مقاله لزوم عقد امانت قانونی با قراردادی برای تحقق جرم سوءاستفاده، سال ۱۳۸۷) ص ۳.

<sup>۲</sup>- شکر، رضا و سیروس، قانون مجازات اسلامی در نظم کنونی، (نشر مهاجر، چاپ چهارم، سال ۱۳۸۴) ص ۷۶۷.

محسوب، و اگر آن را مورد استفاده قرار می داد، مرتکب جرم استفاده از سند مجعول و نهایتاً تعدد مادی از نوع غیر مشابه و قاعده جمع مجازات اعمال می گردید. اما با تصویب قانون مجازات اسلامی در سال (۱۳۷۵) برای تحقق جرم سوءاستفاده، لازم نیست که حتماً شرط تودیع وجود داشته باشد بلکه اگر مرتکب آن را، به هر طریقی بدست آورده باشد هم مشمول ماده ۶۷۳ ق.م.ا خواهد بود. بنابراین اگر شخص ثالثی چکی را که فقط در ذیل آن، امضاء وجود دارد و مالکش، آن را گم نموده پیدا نماید (اشیاء لقطه) و مندرجات آن را تکمیل و استفاده نماید مرتکب جرم موضوع ماده ۶۷۳ ق.م.ا شده است نه مرتکب جعل و یا جرایم دیگر.

سند حقوقی سه قسمت دارد. تاریخ، متن و نشانه های حقوقی مثل مهر، امضاء و... علیهذا جرم مزبور زمانی واقع می شود که اقدام قبلی با گذاردن امضاء بر روی ورقه انجام شده باشد. به عبارت دیگر امضاء در ورقه باید قبل از درج مطالب یا تکمیل آن ها در سند باشد. در عین حال اولاً برگ کاغذ می تواند کاملاً سفید بوده و فقط دارای امضاء باشد، بدین لحاظ که متعاقباً مطالب مورد توافق قبلی که بر روی آن نوشته شود، ثانیاً ممکن است ورقه سفید امضاء، نوشته یا سندی باشد که مقداری از مطالب آن به صورت فرم چاپی یا دست نویس قبلاً نوشته شده باشد ولی نوشتن قسمت های خالی و سفید آن با قصد تکمیل بعدی آن توسط شخص دیگری انجام شود، مانند برات که مستلزم قبول محال علیه و در اجرای ماده ۲۲۹ قانون تجارت، ممکن است منوط به درج عبارت و مطالبی باشد که از قبل، مورد توافق واقع شده باشد، ولی بر خلاف آن توافق و به نحو متقابلانه و برای فرار از مسئولیت نوشته شود، در عین حال چنانچه نوشته یا سند در نمونه و فرم قطعی آن امضاء شده باشد و متعاقباً مطلبی به متن در محل خالی آن با فقدان قصد قبلی برای درج مطلب تکمیلی اضافه شود، چنین اقدامی جعل تلقی خواهد شد. خلاصه آنکه تحقق جرم مذکور مستلزم وجود قبلی اوراق مزبور است و منظور از سفید امضاء ورقه سفید یا سند یا چک یا سفته ای است که، واجد امضاء بوده و به شخص سپرده می شود و یا به هر طریقی آن را بدست می آورد و با تکمیل قسمت هایی مانند نام، مبلغ و تاریخ و... از آن سوءاستفاده نموده که برای صاحب آن ضرر آفرین باشد.<sup>۱</sup> سؤالی که در اینجاست این که با توجه به آن که عمل مهر زدن، امضاء کردن، برخلاف اثر انگشت که در آن مباشرت ضروری است. نیابت پذیر است. اگر شخص ((الف)) به ((ب)) ورقه سفید امضایی را بدهد و بنا را بر آن بگذارد که، ۱- آقای ((ب)) تاریخ امروز را بزین ۲- برای پسر من که ((ج)) مبلغ صد تومان بدهکار است بنویس. ۳- و به جای من امضاء کن. در این فرض اگر ((ب)) مبلغ را تغییر دهد، آیا مرتکب جرم شده است؟ در این فرض باید قایل به تفکیک شد. در حالتی که ((ب)) مبلغی را زاید بر آن توافق در آن درج می کند اگر بدون سوء نیت و تبانی با ((ج)) باشد. به نظر مرتکب جرمی نشده است فقط از حدود اذن عدول نموده و مقررات راجع به وکالت در حقوق مدنی اعمال خواهد شد. کما اینکه ماده ۶۵۶ ق.م.م.ا مقرر می دارد: ((وکالت عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین طرف دیگر را برای انجام امری نایب خود می نامید.)) لذا هرگاه از تقصیر وکیل خسارتی به موکل متوجه شود که عرفاً وکیل مسبب آن محسوب می گردد مسئول خواهد بود. اما در حالت دوم که شخص با سوء نیت، اقدام به آن می نماید، باید گفت که در اینجا جرم سوءاستفاده محقق نشده و جعل معنوی خواهد بود.

اولاً برای تحقق جرم سفید امضاء ورقه ای که به صورت ناقص تنظیم شده لازم است. یعنی حتماً باید امضاء داشته باشد و اگر نداشته باشد مطمئناً مشمول ماده ۶۷۳ ق.م.ا که صحبت از سفید امضاء می کند نمی شود. ولو در امضاء نیابت داشته باشد (اجتهاد در مقابل نص ممنوع است). در حالی که در این فرض، ورقه سفیدی، تحویل مرتکب داده شد. ثانیاً عمل وی با جرم جعل معنوی بیشتر مطابقت دارد. جعل معنوی یعنی، قلب متقابلانه که ابتدا در ذهن صورت گرفته، و سپس روی شیء پیاده می شود.

<sup>۱</sup> - گلدوزیان، ایرج، منبع پیشین، ص ۳۰۸.

مثلاً آنجایی که متهم می‌گوید، دزدی نکردم. ولی قاضی بنویسد، که متهم اقرار نموده که مرتکب سرقت شده ام به نظر جعل معنوی مصداق این فرض خواهد بود. نه جرم سوءاستفاده موضوع ماده ۶۷۳ ق.م.ا.

### گفتار سوم: رکن روانی

برای تحقق یک جرم صرفاً نقض اوامر و نواهی قانونگذار کافی نیست، فعل مجرمانه باید نتیجه خواست و اراده فاعل باشد. به دیگر سخن، میان فعل مادی و حالات روانی فاعل باید نسبتی موجود باشد، تا بتوان مرتکب را مقصر دانست. ارتکاب جرم، یا ناشی از تظاهر نیت سوء و یا خطای مجرم است. مشروط بر اینکه فاعل چنین فعلی را بخواهد و یا دست کم وقوع آن را احتمال دهد و به نقض اوامر و نواهی مقنن آگاه باشد. در این صورت می‌گوییم فاعل یا در ارتکاب فعل عمد داشته و یا خطا کرده است. آنچه تقصیر در معنی عام نامیده می‌شود یا بر پایه عمد است، و یا مبتنی بر خطاست. عمد عنصر روانی آن دسته از جرایمی است که اصطلاحاً جرایم عمدی نام دارد و خطای جزایی که در قالب بی احتیاطی، بی مبالاتی عدم مهارت و عدم رعایت نظامات دولتی جلوه می‌کند، رکن روانی جرایم غیر عمدی است.

بنابراین موضوعاتی که در باب رکن روانی مهم است، علم مرتکب، سؤنیت عام و خاص، که در گفتارهای بعدی توضیحات لازم ارائه خواهد شد.

منظور از آگاهی، معرفت فاعل هم به کیفیت فعل مجرمانه، و هم به نامشروع بودن آن می‌باشد. عبارت دیگر فرض را باید بر این گذاشت، که فاعل توان درک درست عمل مجرمانه را داشته و خواسته است، دقیقاً عملی را مرتکب شود که، قانونگذار حرمت آن را حکم داده است. خلاصه آنکه، فاعل نسبت به موضوع و حکم قانونی، جاهل نباشد، چرا که آگاهی باید وجود داشته باشد تا سؤ نیت شکل بگیرد. یعنی سؤنیت فرع بر وجود علم است و فقدان علم، فقدان سوء نیت را سبب می‌گردد. ابهامی که در اینجا وجود دارد، آن است که سوء نیت، فرع بر وجود علم به حکم است یا موضوع. باید گفت که، نقطه مقابل علم، جهل است و در حقوق جزا دو نوع جهل وجود دارد: ۱- جهل به حکم ۲- جهل به موضوع. مراد از جهل حکمی، جهلی است که، نسبت به وجود قانون صورت بگیرد و مراد از جهل موضوعی عبارت است از، اشتباه در موضوع حکم قانون. به نظر سوءنیت فرع بر وجود علم به حکم و موضوع است. اگر چه قانونگذار صراحتاً جهل حکمی را، رافع مسئولیت عنوان ننموده، اما باید گفت که موارد متعددی در قانون مجازات اسلامی وجود دارد که مبین آن است که، جهل حکمی رافع مسئولیت است.

مثلاً ماده ۶۶ ق.م.ا. ((هرگاه مرد یا زنی که با هم جماع نمودند، ادعای اشتباه و نا آگاهی کنند، در صورتی که احتمال صدق مدعی داده شود، بدون شاهد و سوگند پذیرفته می‌شود و حد ساقط می‌گردد.)) و یا مواد ۱۶۶ و تبصره یک آن، و بند ۷ ماده ۱۹۸ ق.م.ا. در خصوص جهل موضوعی، تردیدی وجود ندارد، که رافع مسئولیت می‌باشد، مثلاً شخصی می‌داند، مجازات سارق قطع ید است، ولی نمی‌داند که این مالی که ربوده، مال غیر است. علیهذا در صورت وجود جهل به حکم یا موضوع، سوء نیت شکل نخواهد گرفت. علاوه بر آگاهی فاعل بر تحریم های قانونی و نیز کیفیت و ماهیت اوصاف فعل، اگر چنانچه با اراده ارتکاب توأم نباشد، به تنهایی بی تأثیر خواهد بود. عمد متضمن این است، که با وجود آگاهی، فاعل عزم کاری کند که دقیقاً مقنن ارتکاب آن را جایز ندانسته است.

علم مرتکب در دو فرض قابل بررسی است. ۱- علم به حکم، یعنی مرتکب بداند که قانون چنین رفتاری را مجرمانه تلقی نموده است یعنی مرتکب بداند که سوءاستفاده از سفید امضاء جرم و برای آن مجازات تعیین شده است. ۲- علم به موضوع: مرتکب بداند که سفید امضاء، تعلق به غیر دارد. یعنی سفید امضاء باید به شخص دیگری غیر از سوءاستفاده کننده تعلق داشته باشد.

در فرض تعلق سفید امضاء دو جزء باید وجود داشته باشد. یکی ویژگی سلبی بدین معنا که، سوءاستفاده کننده بداند که آن شیء (سفید امضاء) به او تعلق ندارد، و دوم آن که، سوءاستفاده کننده بداند که سفید امضاء متعلق به دیگری است. (ویژگی ایجابی). با فقدان هریک از این اجزاء جرم موضوع ماده ۶۷۳ ق.م.ا محقق نمی شود. چرا که اگر مرتکب، مالک سفید امضاء باشد، دخل و تصرف در آن را نمی توان جرم سوءاستفاده دانست. در نظام کیفری، اصل آن است که مرتکب، شخصی غیر از مالک باشد. زیرا اگر مرتکب جرم خود مالک باشد جرم محقق نخواهد شد. مثلاً اگر موجر عین مستأجره را که به او تعلق دارد در اثنای مدت اجاره آن را بر بایید، بدلیل تعلق عین به او جرم سرقت محقق نخواهد شد.

سؤالی که در اینجاست، چنانچه دو نفر حساب مشترکی را تشکیل دهند و دسته چکی را از بانک بگیرند که شرط اصدار آن، دو امضاء باشد و یکی از شرکا در این دسته چک مشترک، امضاء نموده و به شریکش بگوید این سفید امضاء را به آقای ((الف)) بابت فلان دین بده و شریک پس از امضاء ذیل آن چک آن را بابت دین خودش به ((ج)) دهد آیا جرم سوءاستفاده تحقق یافته است یا خیر؟ سؤال مذکور تا حدی شبیه ارتکاب جرم علیه مال مشاع بوده که به رویه قضایی ایران جزء در خصوص تخریب مال مشاع، در خصوص سایر موارد ساکت است.

در اینجا چک تعلق به دو نفر داشته، یعنی مرتکبی که سوءاستفاده نموده، خودش مالکیت بر آن مال (در مفهوم آن) دارد و خرج نمودن آن چک، منوط به توافق دو اراده می باشد یک اراده، تصمیم گیرنده نیست و هریک از شرکا، در جزء جزء آن شیء مثل تاریخ، متن،... اختیار دارند. به نظر می رسد، که قانونگذار با ذکر عبارت ((سوءاستفاده نماید)) در متن ماده ۶۷۳ ق.م.ا حجت را تمام، و جرم مذکور تحقق یافته تلقی می شود. اما باید گفت، در اینجا با تردید مواجه بوده و با توجه به آنکه رویه قضایی در این خصوص ساکت است. بنابراین با تفسیر جزایی به نفع متهم و همچنین امتناع از تفسیر موسع قوانین جزایی، مرتکب را در چنین فرضی قابل مجازات نباید دانست. اما اگر دو اراده توافق بر امر خاصی داشته باشند و شریکی خلاف این توافق عمل نماید، به نظر، مجازات کردن مرتکب تحت مشمول ماده ۶۷۳ ق.م.ا موجه نبوده و صرفاً یک تخلف حقوقی می باشد.

عمد در لغت به قصد کاری را انجام دادن آمده است.<sup>۱</sup> بنابراین افعال عمدی تجلی قصد یا نیت انسان در جهتی است که فاعل مرید بوده است. از دید قانونگذار کیفری افعال عمدی انسان همه به یک میزان ارزش ندارد بلکه توجه قانونگذار به آن دسته از افعال عمدی معطوف است که توأم با سوءنیت یا قصد مجرمانه است. مقنن قصد مجرمان را تعریف نکرده، در مواردی از قصد تقلب (ماده ۵۱۹ ق.م.ا) و گاهی از قصد کشتن (م ۲۰۶ ق.م.ا) و یا از کلمات معادل سود جسته است، مانند با سوءنیت ( بند ۳ ماده ۱۱ ق.م.ن.م.ج.ا) و نظایر آن. اما قصد به معنی لغوی همان کوشش و کشش اراده برای رسیدن به هدف معلوم است، که به سوءنیت تعبیر شده است. امیل گرسون حقوقدانان نامدار فرانسوی تعریفی از این سوءنیت بدست داده است که عبارت است از اراده فاعل به ارتکاب جرم همانگونه که قانون تعیین کرده است. و یا آگاهی بزهکار به نقض ممنوعیت های قانونی<sup>۲</sup> با توجه به موارد فوق.

جرایم را از لحاظ رکن روانی و از حیث شدت و ضعف به سه دسته تقسیم می کنند، که خفیف ترین آن، جرایم دو عنصری یا جرایم با مسئولیت مطلق می گویند. که نیاز به اثبات رکن روانی نیست. دسته ی دیگر از جرایم که شدیدتر از دسته قبلی هستند، جرایم با سوءنیت عام، و در نهایت جرایمی که از دو دسته دیگر، شدت بیشتری دارند، جرایم با سوءنیت خاص می

<sup>۱</sup>- معین، محمد، منبع پیشین، ص ۹۲۰.

<sup>۲</sup>- باهری، محمد، حقوق جزای عمومی، (انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، سال ۱۳۸۰)، ص ۲۰۷.

باشند، که نه تنها مرتکب سوءنیت عام دارد، بلکه بدنبال نتیجه هم می باشد. حال سؤال این است که جرم سوءاستفاده، در کدام دسته قرار می گیرد. جرم سوءاستفاده از جمله جرایم عمدی، که دارای سوءنیت عام می باشد. سوءنیت عام در واقع معرفت فاعل به نامشروع بودن عمل ارتكابی است.

سوءنیت عام در جرم سوءاستفاده، به معنی عمد در ارتكاب عمل فیزیکی یعنی عمد در نوشتن مطالب تعهد آور بر روی سفید امضاء می باشد. مثلاً شخصی در براتی که واجد امضاء است، ولی مبلغ در آن نوشته نشده و قرار بر آن است، که مبلغ ده هزار ریال در آن نوشته شود، امین مرتکب تخلف شده و به جای آن، مبلغ صد هزار ریال بنویسد، در اینجا مرتکب دارای سوءنیت عام خواهد بود. به عبارت دیگر سوءنیت عام در جرایم، خواستنی است که به عمل مرتکب در رکن مادی بر می گردد. رفتار مرتکب، نوشتن مطالب تعهد آور بوده، حال شخصی با عدوان (سوءنیت) این مطالب را نوشته و معرفت بر نامشروع بودن عمل خویش دارد. علیهذا اگر مرتکب تحت تأثیر هیپنوتیزم، خواب مستی و یا اشتهاً مطالب تعهدآوری بر روی سفید امضاء بنویسد سوءنیت عام محقق نبوده و وقوع جرم منتفی است.

جرایم علیه اموال مالکیت علی الاصول از جمله جرایم با سوءنیت خاص هستند. لذا این جرم که از جمله جرایم علیه اموال و مالکیت است علاوه بر سوءنیت عام، باید دارای سوءنیت خاص باشد. سوءنیت خاص به معنی نیل به نتیجه، یعنی قصد ایراد خسارت به صاحب امضاء است، به عبارت دیگر خواستنی که به نتیجه در رکن مادی بر می گردد. در گفتار سوم از فصل دوم عنوان شد که نتیجه، ایراد خسارت (ضرر) واقعی و بالفعل به مالک است. اعم از آن که سبب ورود خسارت، مادی باشد یا معنوی. بنابراین اگر شخصی که سفید امضائی به او سپرده شده را در وجه اداره برق نوشته و آن را به اداره مذکور ارسال نماید تا از قطع برق منزل یا تجارتخانه صاحب امضاء جلوگیری نماید، بدلیل فقدان سوءنیت، جرم مذکور واقع نخواهد شد.

### نتیجه گیری

سفید امضاء یا مهر امضاء، نوشته یا سندی است، که بطور ناقص تنظیم و به شخص سپرده و یا آنکه شخص آن را به هر طریقی تحصیل نموده، و دخل و تصرفاتی در مندرجات آن وارد، و از آن سوءاستفاده می نماید. و از این طریق سبب ورود خسارت مادی یا معنوی به مالک آن می گردد. جرم سوءاستفاده از قدمت طولانی در حقوق موضوعه ایران برخوردار است. یعنی هشتاد و هشت سال از قاعده گذاری آن گذشته و برای حمایت از اموال و مالکیت و جلوگیری از اعتماد و اطمینان افراد، جرم انگاری شده است.

با توجه به آن که برای تحقق هر جرمی، لازم است که ارکان ثلاثه آن جرم (رکن قانونی، مادی و معنوی) وجود داشته باشد علاوه بر آن سه رکن باید بین ارکان تقارن وجود داشته باشد، یعنی رفتار مرتکب، در رکن مادی، وقتی اقدام به نوشتن مطالب روی سفید امضاء می کند، باید با سوءنیت همراه باشد، و الا اگر در لحظه وقوع رکن مادی، رکن معنوی نباشد و یا در حالتی که رکن معنوی وجود دارد رکن مادی نباشد، جرم مذکور تحقق پیدا نخواهد کرد. سوءاستفاده از جمله جرایم بازدارنده بوده، چه در نظام کیفری ما انفکاک جرم بازدارنده از تعزیری، علیرغم رهنمودهای دکترین حقوق جزا و رأی وحدت رویه مشکل است، اما با توجه به آنکه طبق قانون آئین دادرسی کیفری، صرفاً جرایم بازدارنده و اقدامات تأمینی مشمول مرور زمان می شود، لذا با توجه به اصولی که در حوزه کیفری از آن بهره مند هستیم، از جمله تفسیر مضیق قوانین کیفری، منع تفسیر موسع و تبرئه در حال شک و همچنین عدم توسل به قیاس در امور جزایی، مبین این دیدگاه خواهد بود، که این جرم از جمله جرایم بازدارنده بوده، لذا مشمول مرور زمان می گردد. گروهی از حقوقدانان اگرچه، اعتقادشان بر آن بوده، که چون جرم خیانت در

امانت به صراحت بند ۲ ماده ۳۰ ق.م.ا غیر قابل تعلیق است، و با توجه به آنکه جرم سوءاستفاده از صور خاص آن جرم تلقی می شود، پس جرم سوءاستفاده غیر قابل تعلیق است. اما باید گفت اگرچه، جرم سوءاستفاده از جمله صور خاص خیانت در امانت تلقی می شود اما این به معنای آن نیست، که تمام احکام راجع به جرم خیانت در امانت را، به آن جرم تسری دهیم. نتیجه چنین استدلالی آن خواهد بود، که جرم موضوع ماده ۶۷۳ جرمی قابل تعلیق است.

باتوجه به آنکه برای اثبات هر جرمی، ادله اثباتی باید وجود داشته باشد، تا بتوان آن جرم را ثابت نمود، بعضاً قانونگذار ادله اثبات جرم را شمارش می نماید، اما در خصوص این جرم قانونگذار ادله اثبات جرم را شمارش ننموده و اعتقادش آن است، که هر زمانی که قاضی به علم رسید، که جرم با تمام شرایطش حدوث یافت، آنگاه حکم به مجازات مرتکب خواهد داد. قانونگذار در هر کشوری، بعضی از جرایم را که جنبه خصوصی آن غلبه بر جنبه عمومی آن دارد، یا برعکس (جنبه عمومی بر جنبه خصوصی غلبه دارد) معین می نماید. خواه در قالب ضابطه قانونی و خواه در قالب احصاء قانونی. در قانون مجازات ایران، هم قانونگذار از روش احصاء قانونی استفاده نموده، و جرایم قابل گذشت را عنوان نموده و این خود پایه گذار اصلی در نظام کیفری ایران است، که اصل بر غیر قابل گذشت بودن تمام جرایم بوده، مگر آنکه قانونگذار در آن احصاء جرایم قابل گذشت، ذکری از آن جرم برده باشد. جرم سوءاستفاده در این احصاء قانونی نیست لذا جرمی غیر قابل گذشت، و نیاز به شکایت شاکی خصوصی نخواهد داشت. تقدیم دادخواست، برای مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم از سوی مدعی خصوصی در صورت وقوع جرم سوءاستفاده و حدوث خسارت مادی به معنی علیه الزامی است. برای رسیدگی به هر جرمی، پس از وقوع آن جرم، وجود یک مرجع قضایی صالح ضروری است. ماده ۵۱ ق.آ.د.ک مقرر می دارد: ((دادگاه ها فقط در حوزه قضایی محل مأموریت خود ایفای وظیفه نموده و در صورت وجود جهات قانونی شروع به تحقیق و رسیدگی می کنند.)) لذا با توجه به آنکه جرم سوءاستفاده جرمی آنی بوده و محل تخلف امین صالح به رسیدگی است.

نکته پایانی این که اصلاً نیاز به جرم انگاری چنین جرمی در نظام کیفری ایران نبوده است. و وجود چنین جرمی، صرفاً سبب حجیم شدن قانون مجازات خواهد بود. چرا که با فقدان این جرم (ماده ۶۷۳ ق.م.ا)، مواد قانونی وجود داشته، که در صورت ارتکاب، مرتکب بدان محکومیت می یافت. چنان که، اگر سفید امضاء به شخص سپرده می شد، و وی خلاف اراده سپارنده عمل می نمود عملش خیانت در امانت و به مجازات مذکور در ماده ۶۷۴ ق.م.ا محکوم می شد. و اگر به هر طریقی بدست می آورد، (به وی سپرده نشده باشد) و در آن دخل و تصرفی نماید، در صورتی که از طریق تحصیل، غیر مجرمانه باشد (پیدا نمودن آن شیء)، به مجازات جرم جعل و در صورتی که استفاده می نمود، به مجازات استفاده از سند مجعول هم محکوم می شد.

(تعدد مادی از نوع متخلف و قاعده جمع مجازات) و اگر طریق تحصیل آن ناشی از عملیات مجرمانه بوده، و مرتکب علاوه بر دخل و تصرف در آن از آن استفاده هم می نمود، علاوه بر مجازات آن جرم به مجازات جرم جعل و در صورت استفاده به مجازات جرم استفاده از سند مجعول هم محکوم می شد. همچنین اگر هیچ کدام از آن مواد قانونی وجود نمی داشت. باز هم برای تنبیه مرتکب، خلاء قانونی نداشتیم. چرا که قانونگذار در ماده ۱۰۱.ا و ک مصوب (۱۳۶۷) و... با جرم انگاری تحصیل مال از طریق نامشروع، حجت را برای بلامجازات ناماندن مرتکبین تمام نموده است. چرا که نه تنها مرتکبین، مجازات خواهند شد، بلکه در این سید مجرمانه (ماده ۱۰۲.ت.ا. و ک) امور حقوقی هم، رنگ جزایی به خود می گیرد ماده ۲ مقرر می دارد: ((هرکس به نحوی از انحاء امتیازاتی را که به اشخاص خاص به جهت داشتن شرایط مخصوص تفویض می گردد، نظیر جواز صادرات و واردات و آنچه عرفاً موافقت اصولی گفته می شود و ... و یا به طور کلی مالی یا وجهی تحصیل کند، که طریق تحصیل آن فاقد مشروعیت قانونی بوده است، مجرم محسوب و ... محکوم خواهد شد.))



علیهذا، با وجود چنین ماده ای، در مجازات مرتکب، تردیدی وجود نداشت، لذا جرم انگاری ماده ۶۷۳ ق.م.ا ضروری نبوده است.

## منابع و مأخذ

۱. آخوندی، م، (۱۳۸۵)، «آیین دادرسی کیفری»، ج اول، چ دوازدهم، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲. آشوری، م، (۱۳۸۴)، «آیین دادرسی کیفری»، ج اول، چ دهم، تهران: نشر سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی، انتشارات سمت.
۳. اردبیلی، م، (۱۳۸۳)، «حقوق جزای عمومی»، ج اول، چ هشتم، تهران، نشر میزان.
۴. اردبیلی، م، (۱۳۸۵)، «حقوق جزای عمومی»، ج دوم، چ یازدهم، تهران: نشر میزان.
۵. افراسیابی، م، (۱۳۷۴)، «حقوق جزای عمومی»، ج اول، چ اول، تهران فردوسی.
۶. الهی قمشه ای، م، (۱۳۵۶)، «ترجمه و تفسیر قرآن کریم»، قم: انتشارات صالحی.
۷. باهری، م، (۱۳۸۰)، «حقوق جزای عمومی»، چ اول، تهران: دانشگاه تهران.
۸. بوشهری، ج، (۱۳۷۹)، «حقوق جزاء اصول و مسایل آن»، چ اول، تهران: نشر شرکت سهامی.
۹. بکاریا، س، (۱۳۸۵)، «جرایم و مجازات ها»، ترجمه دکتر محمدعلی اردبیلی، ج پنجم، تهران، نشر میزان.
۱۰. پاینده، ا، (۱۳۵۶)، «نهج الفصاحه مجموعه کلمات قصار حضرت رسول»، تهران، انتشارات جاویدان.
۱۱. پیمانی، ض، (۱۳۷۴)، «بررسی تطبیقی و تاریخی قاعده تعدد جرم»، چاپ اول، قم: معاونت پژوهشی آموزش عالی قم.
۱۲. جعفری لنگرودی، م، (۱۳۸۴)، «ترمینولوژی حقوق»، چ پانزدهم، تهران: کتابخانه گنج دانش.
۱۳. جعفری لنگرودی، م، (۱۳۸۴)، «مقدمه علم حقوق»، چ پنجم، تهران: کتابخانه گنج دانش.
۱۴. حبیب زاده، م، (۱۳۷۳)، «حقوق جزای اختصاصی، جرایم علیه اموال» چ اول، قم: انتشارات سمت.
۱۵. حبیب زاده، م، (۱۳۸۱) «خیانت در امانت در حقوق کیفری»، چ اول، تهران، نشر آثار علمی دانشگاه تربیت مدرس.
۱۶. دستغیب، ع، (۱۳۶۳)، «گناهان کبیره»، قم: انتشارات اسلامی.